

بررسی جامعه‌شناختی تأثیر سبک زندگی بر پرخاشگری و وندالیسم شهری نوجوانان و جوانان استان لرستان

محمد رضا حسینی*

مهرداد نوابخش**، زهرا رحیمی***

چکیده

پدیده وندالیسم یکی از عوامل نوظهور تأثیرگذار بر رشد مسائل اجتماعی و آسیب‌های شهری است که به مفهوم داشتن نوعی روحیه‌ی بیمارگونه به کار رفته و مبین تمایل به تخریب آگاهانه اموال و متعلقات عمومی است. در پژوهش حاضر با رویکردی جامعه‌شناختی رابطه سبک زندگی با پرخاشگری و وندالیسم مورد مطالعه قرار گرفته است که به روش پیمایشی و با پرسشنامه محقق‌ساخته انجام شده است. جامعه آماری مورد مطالعه زنان و مردان ۱۵-۲۹ ساله شهرهای خرم‌آباد، بروجرد و ازنا می‌باشد که از این میان تعداد ۷۱۴ نفر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شده‌اند. داده‌های پژوهش با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون، رگرسیون، تحلیل واریانس یک‌طرفه تحلیل شدند. نتایج به دست آمده حاکی از آن بود که بین مؤلفه‌های سبک زندگی با پرخاشگری و وندالیسم رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. براساس نتایج تحلیل رگرسیون، مهمترین عامل در بروز رفتارهای پرخاشگرانه و وندالیسم، قرار گرفتن در موقعیت‌های نابهنجار است که بیشترین میزان بتا ۰/۲۸ را داشته است و سپس به ترتیب

* استادیار جامعه‌شناسی، دانشگاه آیت الله بروجردی (نویسنده مسئول)، mrho_59@yahoo.com

** استاد جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران، mehrdad_navabakhsh@yahoo.com

*** کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه تبریز، rahimizahra1384@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۵/۰۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۴/۱۲

مصرف فرهنگی ۰/۲۶، سبک زندگی ۰/۲۱ و مدیریت بدن ۰/۱۸ بیشترین تأثیر را بر پرخاشگری و وندالیسم داشته‌اند. نتایج حاصل از تحلیل مسیر نشان داد که ۲۶ درصد رفتارهای پرخاشگرانه و وندالیستی توسط مجموع متغیرهای مستقل قابل تبیین است.

کلیدواژه‌ها: سبک زندگی، پرخاشگری، وندالیسم

۱. مقدمه

امروزه با رشد و گسترش روزافزون شهرها و توسعه‌ی زندگی شهری و به علت مهاجرت بی‌رویه از روستاها به شهرهای بزرگ، افزایش حاشیه‌نشینی، فراوانی مشکلات اقتصادی-اجتماعی، شکاف طبقاتی و تضعیف قید و بندهای اجتماعی دامنه‌ی بسیاری از آسیب‌های اجتماعی، به لحاظ کمی و کیفی را افزایش داده است که از این‌رو زمینه‌ی مناسبی برای بروز رفتارهای انحرافی و بزهکارانه، به‌ویژه برای قشر جوان فراهم شده است. تحولات جهانی، از یک سو جوامع در حال گذار را با تغییرات و تضادهای متنوعی روبه‌رو کرده است، و از سوی دیگر عدم تطابق و رشد ناهماهنگ عناصر مادی و غیرمادی فرهنگ در این جوامع مشکلات عدیده‌ای را در ساختار اجتماعی به وجود آورده است. از این حیث، مسائل اجتماعی متأثر از فرآیندهایی چون تأخر فرهنگی (Cultural Lag)، بی‌هنجاری (Anomie)، تضاد اجتماعی (Social conflict) و از خود بیگانگی (Alienation) به بروز پیامدها و آسیب‌های اجتماعی منجر می‌گردد. از جنبه دیگر و در سطحی وسیع‌تر، توسعه جوامع دچار بی‌سازمانی و از هم گسیختگی اجتماعی می‌شوند. این بی‌نظمی‌ها به عدم تعادل اجتماعی، افزایش آسیب‌ها و بحران‌های اجتماعی منجر می‌گردد. ایران نیز به عنوان یک کشور در حال توسعه و گذار از مرحله سنتی به مدرنیسم از این قاعده مستثنی نبوده و با تغییرات و دگرگونی‌های سریع و وسیعی در ساختارهای اصلی خود، به خصوص ساختارهای فرهنگی و اجتماعی با این تغییرات مواجه است (فاضل و دیگری، ۱۳۸۷: ۸-۷).

پدیده‌ی وندالیسم یکی از عوامل تأثیرگذار بر رشد مسائل اجتماعی و آسیب‌های شهری است و به عنوان یک آسیب اجتماعی، به خصوص در جوامع مدرن ظهور و بروز گسترده‌ای یافته است. در جوامعی که نظام ثبت اطلاعات دقیق و منظمی دارند، یافته‌ها حاکی از آن است که سالانه بخش‌های مختلف جامعه، متحمل خسارت گسترده‌ای از این اقدامات می‌شوند و هر ساله میلیون‌ها دلار صرف تعمیر و جای‌گزینی اشیایی می‌شود که

وندال‌ها به آن‌ها آسیب وارد کرده‌اند. به عنوان مثال مسئولان مترو پاریس، فقط در سال ۱۹۸۹ برای تعمیر و بازسازی صندلی‌هایی که مسافران مترو پاره کرده بودند، ۱۸ میلیون فرانک هزینه کرده‌اند. شرکت اتوبوسرانی پاریس نیز شکایت دارد که هر سال خرابکاران دست کم ۵۰۰۰ شیشه اتوبوس را در ایستگاه‌ها با تفنگ و سنگ و... می‌شکنند (محسنی‌تبریزی، ۱۳۸۳: ۳۹). آمار و ارقام مربوط به تخریب اتوبوس‌ها در ناوگان حمل و نقل شهر تهران نشان می‌دهد که در سال ۱۳۸۶ حدود سیصد میلیون تومان به اتوبوس‌های شهری خسارت وارد شده است که مسئولان اتوبوسرانی این رقم را به عنوان خسارت ناشی از وندالیسم ثبت کرده‌اند. همان سال در راه‌آهن نیز بیش از ۷۵۰ میلیون تومان به شیشه قطار آسیب رسیده که از رده خارج شده‌اند. یافته‌ها در دیگر حوزه‌ها نیز نشان از آن دارند که شدت و وسعت وندالیسم در ایران ابعاد جدی و قابل توجهی دارد (دغاقله و دیگری، ۱۳۸۹: ۹۰-۸۹).

پدیده‌ی وندالیسم از جمله کجروی‌های جامعه جدید است که ناشی از تغییرات سریع اجتماعی، رشد هرج و مرج و تمایلات روزافزون انسان‌ها، ناکامی وی در رسیدن به این تمایلات، احساس از خود بیگانگی، اجحاف، خشم و تنفیری است که آن‌ها نسبت به اجتماع و محیط اطرافشان دارند که خود بیان‌کننده‌ی ضعف و اختلال هنجاری در ساختار فرهنگی و اجتماعی جامعه است. وندالیسم از جمله جرایمی است که کمتر مجازات حقوقی و کیفری در پی داشته است، هنجارشکنی‌ای که ضمن ایجاد خسارت‌هایی برای دولت، مبین مشکلات مهم و بزرگ‌تر جامعه‌ی آتی است. با توجه به وضعیت جمعیتی ایران که بیش از نیمی از جمعیت آن را جوانان تشکیل می‌دهند، این کشور از جمله کشورهای است که در معرض آسیب‌های اجتماعی زودرس، از جمله پدیده‌ی وندالیسم است که بیشتر وندال‌های آن نیز جوانان هستند (محمدی بلبان آباد، ۱۳۸۴: ۳).

بر اساس برخی از آمارهای رسمی، تعداد دستگیرشدگان استان لرستان ناشی از رویداد وندالیسم در سال ۱۳۷۵ از ۶۶۵۵ نفر به ۱۰۷۳۹ نفر در سال ۱۳۸۰ و ۸۱۲۵ نفر در سال ۱۳۸۴ رسید. این آمار که در سال ۱۳۸۴ نسبت به ۱۳۷۵، ۲۲ درصد افزایش را نشان می‌دهد قابل توجه است. بنابراین پرداختن به موضوعاتی در قالب تبیین رفتارهای انحرافی در جهت پیشگیری و کاهش نرخ بروز چنین رفتارهایی خود دارای اهمیت وافری است. از طرفی بررسی این رفتارها که - امروزه دامنگیر بسیاری از نوجوانان و جوانان شده است - در راستای حرکت به سوی جامعه سالم و ایمن، بُعد دیگر اهمیت این پژوهش می‌تواند باشد

چه نوجوانی و جوانی دوره‌ای است که بسیاری از عادات و رفتارهای بهنجار و نابهنجار در این برهه از زندگی کنشگران شکل گرفته و به ادوار بعدی زندگی آنها نیز تسری می‌یابد. بنابراین شناخت آنچه که افراد به عنوان سبک زندگی می‌شناسند و کشف دیدگاه‌ها، گرایش‌های آنها که در رفتارهایشان دخیل است و تجلی پیدا می‌کند، می‌تواند به غنا و استحکام نظری، ثبات و ارائه راهکارهای کاربردی و تدوین استراتژی‌ها و رهیافت‌های نوین پیشگیری و اصلاح سبک زندگی افراد کمک نماید. بر این اساس، سؤال اساسی در پژوهش حاضر این است: سبک زندگی چگونه بر رفتارهای پرخاشگرانه و وندالیستی جوانان تأثیرگذار می‌باشد؟

۲. پیشینه تحقیق

صمیمی و همکاران (۱۳۸۵) مطالعه‌ای را با عنوان «ارتباط سبک زندگی با سلامت عمومی دانشجویان» انجام دادند. طرح این مطالعه همبستگی بوده و کلیه دانشجویان مشغول به تحصیل پذیرفته شده قبل از سال ۱۳۸۴ که در رشته‌های دانشگاه علوم پزشکی ایران در یکی از مقاطع تحصیلی کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا، که قبل از پذیرش در دانشگاه فاقد اختلالات روانی، بیماری مزمن و معلولیت بودند جامعه آماری را تشکیل دادند. نتایج پژوهش نشان داد که سلامت عمومی با ورزش، تغذیه، سیگار کشیدن، رعایت اصول ایمنی، کنترل استرس بنا بر جنس دانشجویان ارتباط معنی‌دار و با سن، دانشکده محل تحصیل و وضعیت سکونت ارتباط معنی‌دار نداشت. پس سلامت عمومی با ابعاد سبک زندگی رابطه‌ی معکوس و معنی‌دار نشان داد.

نیک اختر (۱۳۷۸) در تحقیقی تحت عنوان «بررسی عوامل اقتصادی-اجتماعی مؤثر بر خرابکاری به عنوان نوعی رفتار بزهکارانه در بین دانش‌آموزان دبیرستان‌های شیراز»، به مطالعه وندالیسم پرداخت. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد، جوانانی که با دوستان بزهکار معاشرت داشته‌اند، میزان مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های خرابکارانه افزایش زیادی داشته است. دیگر نتایج نشان می‌دهد که متغیر نحوه گذراندن اوقات فراغت، ارتباط قوی با رفتار خرابکارانه جوانان دارد. همچنین پسران بیشتر از دختران در فعالیت‌های خرابکارانه مشارکت می‌کنند.

کریمی و فرهمند (۱۳۹۵) در پژوهشی تحت عنوان «وندالیسم و جوانان» به بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر وندالیسم در میان جوانان شهر لردگان پرداختند. نتایج حاصل از

این تحقیق نشان داد که بین متغیرهای سن، وسایل ارتباط جمعی، رابطه با افراد بزهکار، از خودبیگانگی و پیوند اجتماعی با وندالیسم رابطه معناداری وجود دارد.

در پژوهشی که توسط مقصودی و بنی فاطمه (۱۳۸۵) ذیل عنوان «تحلیل محتوای دیوارنویسی‌های کلاس‌های درس دانشگاه شهید باهنر کرمان» انجام گرفت، به این نتیجه رسیدند که وندالیسم به صورت گروهی و با همراهی و مشارکت اعضای یک باند خرابکار انجام می‌پذیرد و با بروز خشم علیه یک مرجع قدرت گره خورده است که به هر میزان که دانشجویان مشارکت بیشتری در فعالیتهای فرهنگی، علمی، تفریحی، ورزشی و هنری داشته باشند احتمال انجام اعمال تخریبگرانه آنان کاهش خواهد یافت.

جان حسنی (۱۳۸۶) پژوهشی با عنوان «عوامل مؤثر بر گرایش به رفتارهای تخریب-گرایانه در استان مازندران» را به روش پیمایش بین ۵۰۰ نفر از نوجوانان و جوانان ۱۰-۲۵ ساله انجام داد. نتایج این تحقیق حاکی از آن بوده که عواملی چون: نحوه گذران اوقات- فراغت، تحصیلات والدین، نوع شغل و تدین، ارتباط با گروه همسالان، درآمد خانواده، نوع سکونت، محل سکونت، پایگاه اجتماعی- اقتصادی در این رابطه مؤثر بوده و در نهایت آزمون آماری رگرسیون چندمتغیره نشان داد که اوقات نحوه گذران اوقات فراغت ۰/۲۷، ارتباط با گروه همسالان ۰/۲۳، پایگاه اجتماعی- اقتصادی ۰/۱۷ و محل سکونت ۰/۱۱ درصد از واریانس بر بروز رفتارهای وندالیستی را تبیین می‌کند.

فینکلهر و آسدیجیان (Finkelhor & Asdigian) (۱۹۹۶) نیز در تحقیقی با عنوان «مولفه‌های مخاطره‌آمیز برای قربانی شدن جوانان: وراى سبک زندگی / رویکرد نظریه‌ی فعالیت‌های عادی» سعی بر آن داشته‌اند که با مفاهیمی از سبک زندگی و فعالیت عادی، خطراتی که برای قربانی شدن جوانان وجود دارد را درک کنند، پس به بررسی ویژگی‌های شخصیتی پرداختند که جوانان را در موقعیت خطر قرار می‌دهد؛ البته نه تنها با استفاده از مکانیسم‌های سبک زندگی یا فعالیت‌های عادی بلکه با سازگاری بیشتر با نیازها، انگیزه‌های جوانان و واکنش‌های مجرمان بالقوه. سه‌گونه از ویژگی‌های قربانیان بالقوه آسیب‌پذیری (از قبیل: ضعف فیزیکی یا نومی‌های روانشناختی)، لذت بردن از هدف یا قربانی (از قبیل: جنس زن برای تجاوز جنسی)، یا خصومت با اهدافی نظیر: رفتارها یا هویت‌های قومی و گروهی که ممکن است موجب رنجش و روشن شدن خصومت گردد، رویداد پدیده قربانی‌سازی را افزایش می‌دهند. محققان در این تحقیق به این نتیجه رسیده‌اند که تبیین‌های نظریه سبک زندگی راه‌های مهم اما ناکافی را که طی آن ویژگی‌های شخصیتی قربانیان،

آن‌ها را در معرض قربانی شدن قرار می‌دهد را مفهوم‌پردازی کرده است. آن‌ها در این تحقیق تناسب هدف یا قربانی را به مولفه‌هایی بدین تقسیم کرده‌اند (آسیب‌پذیری، لذت‌بردن از هدف و خصومت با هدف) و نشان دادند که «تناسب هدف یا قربانی» منفک از متغیرهای سبک زندگی، سهم مستقل و معناداری در تبیین‌کنندگی و پیش‌بینی قربانی شدن دارد.

در تحقیق دیگری با عنوان «آیا سبک زندگی مخاطره‌آمیز همیشه خطرناک است؟ تعامل بین گرایش‌های باطنی فردی و سبک زندگی مخاطره‌آمیز» سونسون و پاولز (Svensson & Pauwels) (۲۰۰۸) به بررسی تأثیر سبک زندگی مخاطره‌آمیز بر گرایش‌های باطنی به جرم پرداخته‌اند. آن‌ها فرض را بر این گذاشته‌اند که خطر سبک زندگی برای آن‌هایی که گرایش زیادی به جرم دارند تأثیر مهم‌تری بر جرم دارد در صورتی که برای افرادی که گرایش اندکی به جرم دارند فرض بر آن است که خطر سبک زندگی برای درگیر شدن در جرم اندک یا حاشیه‌ای است. یعنی علاوه بر اینکه متغیر سبک زندگی مخاطره‌آمیز مورد بررسی قرار گرفته، تأثیر گرایش باطنی به جرم نیز لحاظ شده است. یافته‌های تحقیق قاطعانه این فرضیه که تأثیر خطر سبک زندگی بستگی به تمایل فردی ضعیف یا قوی به ارتکاب جرم دارد را مورد تأیید قرار داده است. بدین معنی که سبک زندگی برای افرادی که تمایل بسیاری به جرم دارند، تأثیر قوی‌تری بر انحرافات دارد و برای افرادی که تمایل کمتری به جرم دارند، عامل سبک زندگی تأثیر کمی دارد.

کوگلین و ویچنچ (Coughlin & Vuchinich) (۱۹۹۶) نیز در مقاله‌ای تحت‌عنوان «تجربیات خانوادگی و گسترش بزهکاری پسران» به بررسی تجربیات خانوادگی ۱۹۴ پسر در سن ۱۰ سالگی به عنوان پیش‌بینی‌کننده‌های دستگیر شدن توسط پلیس در سن ۱۷ سالگی پرداخته‌اند. تأثیرات کیفیت روابط والدین و فرزندان، اعمال تأدیبی و انضباطی والدین، ساختار خانواده و حل کردن مشکلات توسط خانواده بر دستگیری نوجوانان به عنوان متغیرهای اصلی و هوش، پایگاه اقتصادی اجتماعی، ارتباط با همسالان به عنوان عوامل کنترلی مورد بررسی قرار گرفتند. یافته‌های تحقیق نشان داده است که کسب تجربه در خانواده‌های تک‌والدینی و خانواده‌هایی که در آن ناپدیری و نامادری حضور دارد خطر بزهکاری‌هایی که تا سن ۱۴ سالگی شروع می‌شوند تا دو برابر افزایش می‌دهد اما میزان بزهکاری‌هایی که در سنین ۱۴ تا ۱۷ سالگی شروع می‌گردند را افزایش نمی‌دهد. همچنین نتایج تحقیق نشان می‌دهد ارتباط معناداری بین خطرپذیری بالا با ارتباط ضعیف با همسالان بزهکار و ویژگی‌های شخصیتی ضداجتماعی در خانواده دیده شد. تأثیرات حلال مشکلات

بودن خانواده تنها در خانواده‌هایی که دارای ناپدیری یا نامادری بودند مشاهده گردید و نتایج، زمان و ماهیت غیرمستقیم تأثیرات خانوادگی را بر شکل‌گیری رفتار بزهکارانه نشان داد.

۳. چارچوب نظری تحقیق

وندال‌ها گروهی هستند که اعمال خشونت‌آمیز و پرخاشگرانه از خود نشان می‌دهند و احساس اجحاف و بی‌عدالتی درک‌شده دو انگیزه مهم در ایجاد پرخاشگری و خرابکاری ویرانگرانه وندال‌ها است. وندالیسم را حالت شدید جماعت، انبوهه یا گروهی دانسته‌اند که به صورت تجمع سازمان‌نیافته و بی‌هدف به صورت آنی تحت تأثیر همدیگر قرار می‌گیرند و تحرکات تخریبی و ویرانگری انجام می‌دهند. وندالیسم یا خرابکاری‌های شهری یکی از معضلات و مشکلات جوامع است که همگام با رشد و توسعه شتابزده شهر و درونی‌شدن فرهنگ شهرنشینی در بین جوامع مختلف به وجود آمده است (نبوی و دیگران، ۱۳۹۰).

پاتریس ژانورن (Janoren) (۲۸:۱۳۶۷) وندالیسم را نوعی روحیه بیمارگونه تعریف می‌کند که به تخریب تأسیسات عمومی نظیر تلفن‌های عمومی، صندلی‌های اتوبوس‌های شهری، مترو، باجه‌های پست و تلگراف و نظایر آن تمایل دارد. وی روحیه‌ای را که در تمایل به نابودی آثار هنری و تخریب اموال عمومی را دارد، روحیه ویرانگر یا متمایل به خرابکاری (وندالیسم) می‌خواند.

پیروردیو بی‌گمان پیگیرترین جامعه‌شناسی است که دربارهٔ مصرف و سبک زندگی سخن گفته است. به زعم بوردیو در حقیقت مصرف را «ذائقه یا سلیقه» جهت می‌دهد و با جهت‌گیری مصرف، سبک‌های زندگی متفاوت شکل می‌گیرند. ذائقه‌ها و منش‌ها دائماً ضرورت‌ها را به اولویت‌ها تبدیل می‌کند و فارغ از هر نوع تعیین مکانیکی، مجموعه‌ای از انتخاب‌ها را فراهم می‌آورد که (روی هم‌رفته) سبک‌های زندگی را سامان می‌بخشند. از سوی دیگر همین سبک‌های زندگی متفاوت به بازتولید ذائقه‌ها و منش می‌انجامد، زیرا سبک زندگی همان فضایی است که کنشگران در ذیل آن می‌آموزند که چگونه زندگی کنند، چه چیز را ارجح بدانند و در نهایت چه چیز را زیبا بشمارند.

بنا به تعریف بوردیو، یک میدان، عرصه‌ای اجتماعی است که مبارزه‌ها و تکاپوها بر سر منابع و منافع معین و دسترسی به آن‌ها در آن صورت می‌پذیرد. میدان‌ها با اقلامی تعریف و مشخص می‌شوند که محل منازعه و مبارزه هستند؛ از قبیل: کالاهای فرهنگی (سبک

زندگی)، مسکن، تمایز و تشخیص فرهنگی (تحصیل)، اشتغال، زمین، قدرت (سیاست)، طبقه اجتماعی، منزلت، یا هر چیز دیگری. با در نظر گرفتن حضور افراد در میدان‌های مختلف برای تصاحب سرمایه مورد نظر است که بورديو بر این باور می‌باشد که هریک از افراد در یک فضای اجتماعی فضایی چند موقعیتی را اشغال می‌کنند. افراد بوسیله عضویت در طبقه اجتماعی شناخته نمی‌شوند، بلکه بوسیله مقداری که از هر نوع سرمایه در اختیار دارند شناخته می‌شوند (استوتز، ۱۳۸۵).

نظریه‌ی سبک‌زندگی نمایشی (Life Style Exposure Theory) توسط هیندلانگ (Hindelang)، گاتفردسون (Gottfredson) و گاروفالو (Garofalo) توسعه داده شده است. این مدل از فعالیت‌های مجرمانه، بین خطر قربانی شدن و فعالیت‌های روزانه‌ی افراد رابطه برقرار می‌کند. سبک زندگی بر فعالیت‌هایی که افراد به طور روزانه در آن‌ها درگیر می‌شوند از قبیل فعالیت‌های اجباری (Obligatory) و اختیاری (Discretionary) اشاره دارد. همانطور که لی بو و کولسون (Le Beau & Coulson) اشاره کرده‌اند فعالیت‌های اجباری فعالیت‌هایی هستند که باید انجام شوند در حالی که افراد فعالیت‌های اختیاری را به دلخواه انجام می‌دهند به همین دلیل عنوان اختیاری به آنان اطلاق می‌گردد. در واقع فعالیت‌های اختیاری می‌نامند که شانس اختیار در آن بیشتر از اجبار باشد و فعالیت‌های اجباری می‌نامند که شانس اجبار در آن بیشتر از اختیار باشد (Chapin, 1974: 37-8).

بر این مبنا کندی و فورد (Kennedy & Forde) (208:1990) مدل سبک زندگی نمایشی را که سبک زندگی ضمن اینکه تفاوت‌ها را در سطح جنسیت، سن، وضعیت تأهل، درآمد خانواده و نژاد لحاظ می‌کند، فعالیت‌های روزمره و آسیب‌پذیری قربانی فعالیت‌های جنایی شدن توصیف می‌کنند. در نتیجه، قربانی شدن به صورت تصادفی در زمان و مکان پخش نشده است بلکه مناطق و ساعاتی وجود دارد که خطر در آن‌ها بیشتر وجود دارد. بنابراین الگوهای سبک زندگی اولاً بر میزان حضور در مکان‌ها و ساعاتی که خطر قربانی شدن در آن‌ها زیاد است تأثیر می‌گذارد و ثانیاً بر شیوع همکاری با کسانی که بیشتر یا کمتر احتمال دارد درگیر جرائم شوند نیز تأثیرگذار است.

مدل نظری کندی و فورد بر این باور است که مشخصات زمینه‌ای و فعالیت‌های روزمره بر زمانی که در سبک زندگی مخاطره‌آمیزی سپری می‌شود که منجر به نتایج وخیم (از قبیل قربانی فعالیت‌های جنایی شدن) می‌گردد، تأثیر می‌گذارد. آن‌ها گفته‌اند که متغیرهای زمینه‌ای و متغیرهای مربوط به سبک زندگی را می‌توان به عنوان تعیین‌کننده‌های «زمانی که

در فعالیت‌های مخاطره‌آمیز سپری می‌شود» در نظر گرفت که به طور غیرمستقیم نتایج مخاطره‌آمیز را رقم می‌زنند.

مطالعات بسیار زیادی رابطه بین فعالیت‌های روزمره افراد و احتمال قربانی شدن آن‌ها را نشان داده‌اند. به عبارت دیگر، آنچه که افراد انجام می‌دهند و اینکه چگونه در مکان‌هایی که خطر قربانی شدن در آن‌ها کم یا زیاد است رفتار می‌کنند مورد مطالعات زیادی بوده است. مطابق با کار سامپسون و وولدرج سبک زندگی پویا و درگیر (Active lifestyle) از طریق افزایش میزان حضور در مکان‌هایی که به طور بالقوه آسیب‌رسان هستند، بر خطر قربانی شدن تأثیر می‌گذارد. با این حال، یک سبک زندگی پویا و درگیر ضرورتاً خطر قربانی شدن یک فرد را افزایش نمی‌دهد به عنوان مثال، اگر فرد با ساکنین، همسایه‌ها و افرادی که در آنجا آمد و شد دارند زیاد سر و کار داشته باشد، این فعالیت تعاملی باعث کاهش احتمال قربانی شدن می‌گردد (Wright and Decker, 1994).

با اینکه تحقیقات مربوط به سبک زندگی ابراز داشته‌اند که سبک زندگی پویا و درگیر خطر قربانی شدن را افزایش می‌دهد اما سنت پژوهشی معتبری حول این موضوع که چه نوع سبک زندگی ای باعث افزایش چه نوع رفتار انحرافی می‌شود شکل نگرفته است. نظریه فعالیت عادی (Routine Activities) توسط کوهن و فلسون (Kohen & Felson) (Felson, 1983) سازمان‌دهی شده است. مطابق با این نظریه، جرم نتیجه به هم پیوستن سه عنصر در زمان و مکان است: حضور احتمال یا مجرمان دارای انگیزه، وجود اهداف مناسب، و نبود محافظان مجرب و کافی برای جلوگیری از رفتار مجرمانه.

در نظریه فعالیت‌های عادی فرض بر آن است که زمان کار، مدرسه و سبک زندگی در مرکز تعیین‌کننده‌های اصلی نرخ جرم قرار دارند. بعلاوه، پراکندگی فعالیت‌هایی که به دور از خانه و خانواده انجام می‌شوند امکان جرم را افزایش می‌دهد و در نتیجه نرخ جرم افزایش می‌یابد. ما انتظار داریم که فعالیت‌های عادی در اطراف خانه، درون خانه و در بین اعضای خانواده یا گروه‌های نخستین شکل بگیرد که خطر قربانی شدن در آن‌ها کمتر است؛ زیرا آن‌ها قابلیت محافظت را تقویت می‌کنند. یعنی هرچه سطح محافظت افزایش پیدا کند احتمال دیده‌شدن مجرمان و خطر قربانی شدن کاهش می‌یابد. فلسون نشان داده است که چگونه با درگیر شدن در فعالیت‌های دور از خانه و خانواده، خطر قربانی شدن (جانی و مالی) افزایش می‌یابد. بنابراین سازمان زندگی روزمره در کلان شهرهای مدرن مشخص

می‌کند که افراد برای کار، مدرسه، خرید و سبک زندگی مطابق با مُد باید دور هم جمع شوند یا اینکه پراکنده شوند. در واقع، هر روند اجتماعی که افراد را از خانه دور کند برای تحلیل نرخ جرم مهم است (Felson, 1987: 667).

گیدنز (Giddens) با مسئله رقابت میان جامعه‌شناسی کلان و خرد یا رقابت میان دیدگاه‌هایی که تأکید بر عاملیت دارند با دیدگاه‌هایی که بر ساختار تأکید می‌کنند سرو کار دارد. ویژگی رهیافت گیدنز تأکید بر اهمیت محوری فرآیندهای اجتماعی بازتابی است. به عبارت دیگر، در متن، نظم و ترتیبات مابعد سستی تبدیل به یک پروژه بازتابی می‌شود (گیدنز، ۱۳۷۷: ۳۲).

سبک‌های زندگی از منظر گیدنز کردارهایی هستند که به جریان عادی زندگی روزمره تبدیل شده‌اند، جریان‌هایی که در لباس پوشیدن، غذا خوردن، شیوه‌های کنش در محیط دلخواه برای ملاقات کردن با دیگران جلوه می‌کنند. اما یادآور می‌شود که چنین رفتارهایی بازتاب کننده خود مورد نظر کنشگران است؛ رفتارهایی که به واسطه آن‌ها کنشگر خودش را به دیگران معرفی می‌کند و از خلال آن‌ها هویت می‌یابد.

یکی از عواملی که به چندگانگی گزینش‌های فرد در جوامع نو می‌انجامد، روایی و اعتبار تجربه بامیانجی است. این تجربه نقشی بارز و ظریف در چندگانگی گزینش‌ها بازی می‌کند. با جهانی شدن فزاینده، رسانه‌های ارتباط جمعی، وجود و کارکرد انجمن‌ها و سازمان‌های متعدد و گوناگون در هر زمینه به چشم و گوش هر کس که خواهان نگرستن و شنیدن باشد می‌رسد، و همین اطلاعات طبعاً راه‌هایی نو برای گزینش در برابر شخص می‌گذارد (گیدنز، ۱۳۸۲: ۱۲۷).

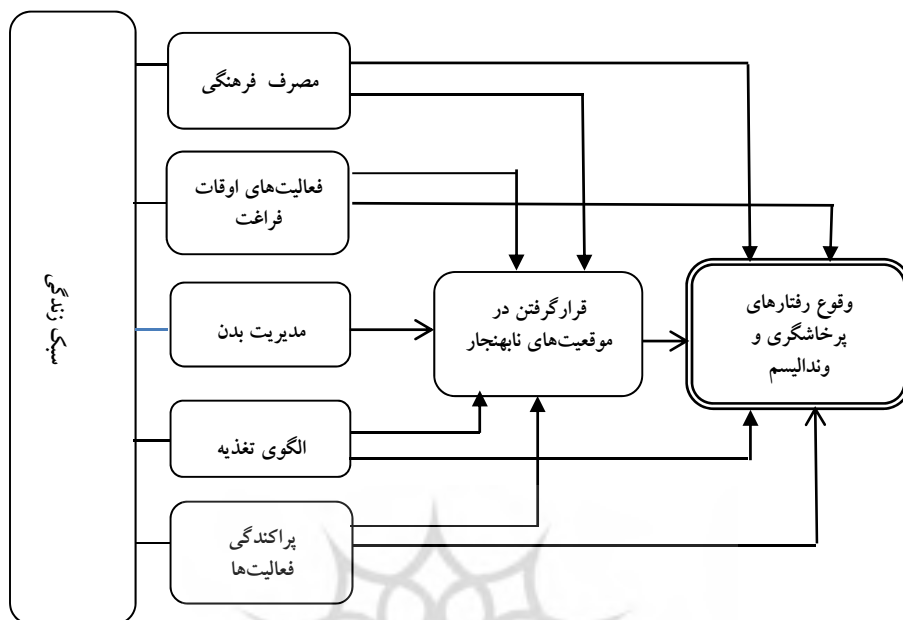
در چنین موقعیت‌هایی، برساختن هویت شخصی ممکن است به همان اندازه که از طریق فعالیت‌ها و انتخاب‌های بهنجار صورت می‌گیرد به همان اندازه نیز ممکن است از طریق انتخاب رفتارها و فعالیت‌های نابهنجار رخ دهد که در این صورت انتخاب سبک زندگی در ارتباط مستقیم با رفتارهای منحرفانه و مجرمانه قرار می‌گیرد. در این جا شبکه و گروه‌های اجتماعی واقعی یا مجازی (گیدنز از شبکه‌ها برای ارتباط سطح خرد و کلان استفاده کرده است) که افراد عضوی از آن‌ها می‌شوند شیوع همکاری با کسانی که بیشتر/کمتر احتمال دارد درگیر جرائم شوند را مشخص می‌سازد. نوع این همکاری امکان حضور در مکان‌هایی که به طور بالقوه آسیب‌رسان هستند را تعیین می‌کند. شبکه‌ها متشکل از افراد هستند و اطلاعات در آنها وارد، ساخته و پرداخته می‌شود و برای استفاده در اختیار

همگان قرار می‌گیرد. آنچه که در شبکه‌های اجتماعی تجزیه و تحلیل می‌شود، به وسیله افراد در باززایی هویت و رفتار اجتماعی‌شان به کار می‌رود. شایان ذکر است که انتخاب این شبکه‌ها و وارد شدن در آنها به صورت تصادفی نبوده، بلکه همان‌گونه که گاتفردسن و همکارانش در نظریه نمایشی سبک زندگی و نظریه فعالیت‌های عادی نیز اشاره کرده‌اند، افراد از میان شبکه‌های اجتماعی، آن‌هایی را برای برقراری ارتباط انتخاب می‌کنند که بیش از سایرین به خودشان شبیه باشند (همان: ۱۲۰).

چارچوب نظری پژوهش حاضر بر مبنای «نظریه گیدنز در رابطه با سبک زندگی» است که با بهره برداری از «نظریه نمایشی» هیندلبرگ، گاتفردسن و گاروفالو و «نظریه فعالیت عادی» کوهن و فلسون تکمیل شده است. بدین معنی که ترکیبی از این سه نظریه چارچوب نظری تحقیق حاضر را تشکیل می‌دهد. با بهره‌گیری از نظریات گیدنز، گاتفردسن و همکاران، و کوهن و فلسون این‌گونه می‌توان بیان داشت که تجدد و مدرنیسم باعث مدرن شدن الگوهای زندگی اجتماعی شده و هزینه این مدرن شدن، مسائل و آسیب‌های اجتماعی است که در این فرایند به وجود آمده است. جوانان از طریق رفتارها و فعالیت‌هایشان، سبک زندگی موردنظر خود را شکل می‌دهند و گاهی این سبک‌های زندگی انتخابی، سبک‌هایی است که فرد را در معرض آسیب‌های اجتماعی و بازتولید آن‌ها قرار می‌دهد. افراد در مواقعی برای ایجاد ارتباط و تعامل از خلال بی‌شمار انتخاب‌هایی که پیش رو دارند، افراد و شبکه‌هایی را انتخاب می‌کنند که علاوه بر این که آن‌ها را در معرض آسیب (قربانی شدن) قرار می‌دهد این امکان را نیز فراهم می‌کند که خود آن‌ها نقش کنش‌گر، رفتارهای انحرافی را بازتولید کنند.

۴. مدل تحلیلی تحقیق

با در نظر گرفتن نظریه‌های مطرح شده و پیشینه‌های تجربی انجام شده حول محور سبک زندگی و پرخاشگری و وندالیسم شهری، مدل تحلیلی مفروض پژوهش در شکل ۱ ترسیم گردیده است. رفتارهای پرخاشگری و وندالیسم متغیر ملاک تحقیق می‌باشد. متغیر پیش-بین تحقیق سبک زندگی بوده که دارای ابعاد مصرف فرهنگی، فعالیت فراغتی، مدیریت بدن، الگوی تغذیه و پراکنندگی فعالیت‌ها می‌باشد. همچنین متغیر پیش‌بین سبک زندگی به واسطه تأثیر بر متغیر واسطه‌ای "فرارگرفتن در موقعیت‌های نابهنجار" بر متغیر ملاک تحقیق یعنی پرخاشگری و وندالیسم تأثیرگذار است.



شکل ۱. مدل مفروض رابطه متغیرهای پژوهش

- براساس مباحث نظری و تجربی در خصوص سبک زندگی و تأثیر آن بر پرخاشگری و وندالیسم نوجوانان و جوانان، فرضیه‌های پژوهش به این شرح مطرح شدند:
۱. بین سبک زندگی و رفتارهای پرخاشگرانه و وندالیستی جوانان رابطه وجود دارد.
 ۲. بین مصرف فعالیت‌های فرهنگی و رفتارهای پرخاشگرانه و وندالیستی جوانان رابطه وجود دارد.
 ۳. بین نحوه گذران اوقات فراغت و رفتارهای پرخاشگرانه و وندالیستی جوانان رابطه وجود دارد.
 ۴. بین مدیریت بدن و رفتارهای پرخاشگرانه و وندالیستی جوانان رابطه وجود دارد.
 ۵. بین الگوی مصرف غذا و رفتارهای پرخاشگری و تخریبی در بین جوانان رابطه وجود دارد.
 ۶. بین پراکندگی فعالیت‌ها و رفتارهای پرخاشگرانه و وندالیستی جوانان رابطه وجود دارد.

۷. بین قرار گرفتن در موقعیت‌های نابهنجار و رفتارهای پرخاشگرانه و وندالیستی جوانان رابطه وجود دارد.

۵. روش‌شناسی تحقیق

طرح پژوهش حاضر به لحاظ اجرا از نوع پیمایش بوده، از نظر زمانی مقطعی، به لحاظ ماهیت کاربردی و به لحاظ وسعت پهنانگر است. واحد مشاهده و واحد تحلیل فرد است. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه کتبی محقق ساخته بوده است. جامعه آماری پژوهش شامل تمام نوجوانان و جوانان ۱۵-۲۹ ساله سه شهر استان لرستان شامل شهرهای خرم‌آباد، بروجرد و ازنا در سال ۱۳۹۴ بود که از جمعیت آماری در شهر خرم‌آباد ۱۶۷۴۷۳ نفر، شهر بروجرد ۱۰۴۶۹۷ نفر و شهر ازنا ۲۲۹۳۴ نفر با حجم نمونه‌ای با استفاده از فرمول کوکران و با فرض خطای نمونه‌گیری قابل قبول ($d=0/05$) ۶۵۰ نفر محاسبه تعیین گردید که برای جلوگیری از ریزش نمونه، این حجم به ۷۰۰ نفر افزایش یافت و در نهایت ۷۱۴ پرسشنامه تکمیل شد.

جهت احراز اعتبار و پایایی پرسشنامه‌ها سعی شد گویه‌هایی که متغیرهای تحقیق را می‌سنجند از گویه‌های تحقیقات پیشین استخراج شوند و یا از نظرات محققان و اساتید امر کمک گرفته شود. پرسشنامه‌ها قبل از تنظیم و تکثیر نهایی، توسط اساتید صاحب‌نظر مورد بازبینی قرار گرفته و پس از اعمال نظرات آنان از اعتبار صوری پرسشنامه محقق ساخته اطمینان حاصل گردید. پس از تحلیل اعتبار صوری، اعتبار هر یک از گویه‌ها، به وسیله تحلیل عاملی تأییدی بررسی شد. در بررسی اعتبار گویه‌های مربوط به هر یک از متغیرها، تنها گویه‌هایی معتبر شناخته شده‌اند که بار عاملی آنها معنی‌دار باشد، با توجه به حجم نمونه مورد بررسی، بار عاملی $0/3$ ملاک معقول و مناسبی است. سپس آن پرسشنامه بر روی ۳۰ نفر از نمونه‌ی مورد نظر، آزمون شده و نارسایی و ابهام موجود در سوالات رفع گردیده و پرسشنامه نهایی تحقیق، تنظیم و در اختیار پاسخگویان قرار گرفت. به منظور سنجش قابلیت اعتماد ابزار اندازه‌گیری (پایایی)، از ضرایب آلفای کرونباخ استفاده شده است که نتایج آن گویای این واقعیت می‌باشد که سوالات پرسشنامه محقق ساخته از انسجام درونی مناسبی برخوردار هستند.

جدول ۱. نتایج تحلیل پایایی گویه‌های متغیرهای تحقیق

متغیرها	پیش آزمون		آزمون اصلی	
	تعداد گویه	ضریب آلفای کرونباخ	تعداد گویه	ضریب آلفای کرونباخ
مصرف فرهنگی	۸	۰/۵۵	۸	۰/۶۵
مدیریت بدن	۸	۰/۷۳	۸	۰/۷۳
فعالیت‌های فراغتی	۹	۰/۷۵	۱۰	۰/۷۵
الگوی تغذیه	۶	۰/۶۵	۸	۰/۶۸
پراکندگی فعالیت‌ها	۵	۰/۴۵	۵	۰/۵۵
پرخاشگری و وندالیسم	۱۴	۰/۷۴	۱۶	۰/۷۵
فرار گرفتن در موقعیت‌های نابهنجار	۴	۰/۶۵	۴	۰/۷۵

جدول شماره ۲ حجم نمونه تخصیص داده شده به هر شهر را نشان می‌دهد. ۳۶۷ نفر از پاسخگویان گروه نمونه مربوط به شهر خرم‌آباد، ۲۷۶ نفر در شهر بروجرد و ۷۱ نفر مربوط به شهر ازنا می‌باشند که در مجموع حجم نمونه‌ای به تعداد ۷۱۴ نفر را تشکیل دادند.

جدول ۲. تخصیص نمونه برای شهرهای مورد مطالعه

شهر	جمعیت ۱۵-۲۹ ساله	نمونه تخصیص داده شده	نمونه تکمیل - شده
خرم‌آباد	۱۶۷۴۷۳	۴۰۳	۳۶۷
بروجرد	۱۰۴۶۹۷	۲۵۵	۲۷۶
ازنا	۲۲۹۳۴	۶۲	۷۱
کل	۲۹۵۱۰۴	۷۲۰	۷۱۴

۶. یافته‌های توصیفی تحقیق

یافته‌های توصیفی پژوهش حاکی از آن است که در مجموع از کل پاسخگویان ۴۷/۳ درصد از آن‌ها زن و ۵۲/۷ درصد مرد بوده‌اند. ۸۰/۱ درصد از آن‌ها مجرد و ۱۹/۹ درصد متأهل بوده‌اند. ۵۴/۴ درصد پاسخگویان دارای مدرک متوسطه و دیپلم، ۳۹/۴ درصد آن‌ها نیز

تحصیلات خود را کاردانی و کارشناسی اعلام کردند و ۶/۲ درصد پاسخگویان نیز دارای مدرک فوق لیسانس و یا دکتری بودند.

داده‌های مربوط به ابعاد سبک زندگی در جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که مصرف فرهنگی ۶۵/۸ درصد از پاسخگویان در سطح متوسط، ۳۰/۷ درصد در سطح زیاد بوده و تنها ۳/۵ درصد در سطح کم می‌باشد. فعالیت‌های اوقات فراغت در بین تنها ۲/۲ درصد از پاسخگویان زیاد بوده که حدود ۵۸/۵ درصد آن‌ها فعالیت‌های اوقات فراغت را در حد متوسط اعلام نمودند. همچنین تنها ۱/۷ درصد از پاسخگویان مدیریت بدن خود را در سطح زیاد گزارش کردند، ۴۱ درصد در حد متوسط و ۵۷ درصد در سطح پایین بیان کردند. ۷۱/۷ درصد از پاسخگویان الگوی تغذیه خود را در سطح متوسط گزارش کردند، ۵۶/۲ درصد پاسخگویان فعالیت‌های پراکنده خود را در سطح پایین اعلام کرده و تنها ۳ درصد از آن‌ها را زیاد گزارش کردند. از بین ابعاد سبک زندگی، میزان مصرف فعالیت‌های فرهنگی با میانگین ۶۲/۶۶ بیشتر از سایر ابعاد گزارش شد. پراکنده‌گی فعالیت‌ها به عنوان پایین‌ترین شاخص سبک زندگی با میانگین ۲۸/۰۶ نشان می‌دهد که جوانان شهرهای مورد مطالعه، بیشتر فعالیت‌های نامتمرکز انجام می‌دهند اما میزان این فعالیت‌ها در سطح پایینی است.

جدول ۳. مقایسه ابعاد سبک زندگی، گزارش بر حسب نمرات میانگین مؤلفه‌ها

ابعاد سبک زندگی	کم	متوسط	زیاد	میانگین
مصرف فرهنگی	۳/۵	۶۵/۸	۳۰/۷	۶۲/۶۶
فعالیت‌های فراغت	۳۹/۲	۵۸/۵	۲/۲	۳۷/۴۶
مدیریت بدن	۵۷/۴	۴۰/۹	۱/۷	۳۱/۲۲
الگوی تغذیه	۲۶/۳	۷۱/۷	۲/۰	۴۱/۵۸
پراکنده‌گی فعالیت‌ها	۵۶/۲	۳۲/۶	۲/۹	۲۸/۰۶

داده‌های جدول شماره ۴ حاکی از آن است که ۷۶/۶ پاسخگویان بر اساس تکنیک خوداعترافی ابراز داشته‌اند که میزان کمی به پرخاشگری و وندالیسم می‌پردازند. ۲۳ درصد پاسخگویان نیز در سطح متوسطی به پرخاشگری اقدام نموده و تخریب می‌کنند. تنها ۰/۴ درصد از آن‌ها عنوان کرده‌اند که سطح ابراز پرخاشگری و وندالیسم‌شان در سطح بالا بوده

است. میزان پرخاشگری در بین جوانان با میانگین ۲۶/۹۵ بیشتر از رفتارهای تخریبی آنهاست.

جدول ۴. توزیع فراوانی و میانگین پاسخگویان بر حسب میزان ابراز پرخاشگری و وندالیسم

میزان پرخاشگری و وندالیسم	فراوانی	درصد	میانگین	
			پرخاشگری و وندالیسم	پرخاشگری وندالیسم
کم	۵۴۷	۷۶/۶		
متوسط	۱۶۴	۲۳/۰	۲۶/۹۵	۱۶/۳
زیاد		۰/۴		
کل	۳۷۱۴	۱۰۰	-	

داده‌های ارائه شده در جدول شماره ۵ نشان می‌دهد که ۷۱ درصد پاسخگویان اظهار نموده‌اند که بسیار کم در موقعیت‌های نابهنجار قرار گرفته‌اند. ۲۱/۴ درصد پاسخگویان به طور متوسط و ۷/۶ درصد از آنان نیز زیاد در موقعیت نابهنجار قرار گرفته‌اند.

جدول ۵. توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان قرار گرفتن در موقعیت‌های نابهنجار

میزان	فراوانی	درصد	میانگین کل
کم	۵۰۷	۷۱/۰	
متوسط	۱۵۳	۲۱/۴	۲۲/۶۷
زیاد	۵۴	۷/۶	
کل	۷۱۴	۱۰۰	-

طبق جدول شماره ۶، در ابعاد سبک زندگی و داده‌های به دست آمده از این متغیر تفاوت چندانی بین شهرها مشاهده نمی‌شود، اما با این حال شهر ازنا با میزان ۴۶/۷ درصد نسبت به دو شهر دیگر دارای میانگین پایین‌تری در سبک زندگی می‌باشد. میزان پرخاشگری و وندالیسم در بین جوانان خرم‌آباد بیشتر از دو شهر دیگر است. همچنین نتایج جدول فوق

حاکمی از آن است که جوانان شهر خرم‌آباد با میزان ۲۵/۸ درصد، بیشتر از جوانان شهرهای دیگر در شرایط موقعیت‌های نابهنجار قرار گرفته‌اند و بالتبع بیشتر در معرض رفتارهای بزهکارانه‌ای چون پرخاشگری و وندالیسم قرار می‌گیرند.

جدول ۶. مقایسه درصدی وضعیت نمره متغیر ملاک در شهرهای مورد مطالعه

متغیرها	شهرها		
	خرم‌آباد	بروجرد	ازنا
سبک زندگی	۴۹/۴۵	۴۹/۶۴	۴۶/۷۲
پرخاشگری و وندالیسم	۲۲/۶۶	۲۰/۸۳	۱۸/۴۶
قرارگرفتن در موقعیت‌های نابهنجار	۲۵/۸۸	۸۱/۶۱	۲۱/۸۳
کل			۴۹/۲۵

در باب ضرایب همبستگی بین متغیر پیش‌بین (سبک زندگی) و مؤلفه‌های آن با متغیر ملاک

فرضیات اصلی این پژوهش از طریق آزمون همبستگی پیرسون مورد تحلیل قرار گرفتند. ضرایب مندرج در جدول شماره ۷ حاکی از آن است که از مجموع هفت فرضیه اصلی این تحقیق که رابطه بین سبک زندگی و مؤلفه‌های آن را با میزان پرخاشگری و وندالیسم بررسی کردند، ارتباط متغیرهای سبک زندگی (کل)، مصرف فرهنگی، مدیریت بدن و پراکندگی فعالیت‌ها با میزان پرخاشگری و وندالیسم معنی‌دار بود، ولی ارتباط معنا-داری بین متغیرهای فعالیت‌های فراغتی و الگوی تغذیه با میزان پرخاشگری و وندالیسم مشاهده نشد.

جدول ۷. ضرایب همبستگی پیرسون بین متغیرهای مستقل با پرخاشگری و وندالیسم

پرخاشگری و وندالیسم		متغیرها
سطح معنی‌داری	ضریب همبستگی	
۰/۰۰۲	۰/۱۸	سبک زندگی کل
۰/۰۰۰	-۰/۲۳۱	مصرف فرهنگی
۰/۶۷۱	-۰/۰۲۱	فعالیت اوقات فراغت
۰/۰۰۱	۰/۱۹۳	مدیریت بدن

۰/۶۱۰	۰/۰۱۱	الگوی تغذیه
۰/۰۰۱	۰/۰۹۲	پراکندگی فعالیت‌ها
۰/۰۰۰	۰/۲۸۳	قرارگرفتن در موقعیت‌های نابهنجار

فرضیه اول: بین سبک زندگی (کل) و رفتارهای پرخاشگرانه و وندالیستی جوانان رابطه وجود دارد.

آزمون این رابطه از طریق آماره‌ی همبستگی پیرسون (۰/۱۸۳) و سطح معنی‌داری (۰/۰۰۰) بر رد فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود رابطه و تایید فرضیه محقق دلالت دارد. براساس نتایج به دست آمده می‌توان گفت با احتمال ۹۹٪ بین متغیر سبک زندگی (کل) و رفتارهای پرخاشگرانه و وندالیستی رابطه همبستگی معناداری وجود دارد. بنابراین می‌توان گفت که هرچه جوانان بیشتر درگیر مؤلفه‌ها و ابعاد سبک زندگی شوند احتمال بیشتری دارد که اقدام به فعالیت‌های پرخاشگرانه و وندالیستی کنند. همچنین مقدار ضریب پیرسون (۰/۱۸۳) بر نسبتاً ضعیف بودن شدت رابطه همبستگی دلالت دارد. بنابراین فرضیه اول تأیید می‌شود.

فرضیه دوم: بین مصرف فرهنگی و رفتارهای پرخاشگرانه و وندالیستی جوانان رابطه وجود دارد.

آزمون این رابطه از طریق آماره‌ی همبستگی پیرسون (۰/۲۳۱-) و سطح معنی‌داری (۰/۰۰۰) بر رد فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود رابطه و تایید فرضیه محقق دلالت دارد. براساس نتایج می‌توان گفت در سطح اطمینان ۹۹٪ بین مقادیر این دو متغیر، رابطه معناداری وجود دارد. رابطه همبستگی بین این دو متغیر، از طریق آزمون همبستگی (۰/۲۳۱) محاسبه شده که بیانگر همبستگی منفی و معکوس بین مصرف فرهنگی و رفتارهای پرخاشگرانه و وندالیستی است؛ به عبارت دیگر، می‌توان گفت که با افزایش میزان مصرف از کالاهای فرهنگی میزان وقوع رفتارهای پرخاشگرانه و وندالیستی کاهش می‌یابد و عکس این قضیه نیز صادق است. مقدار ضریب پیرسون بیانگر متوسط بودن شدت همبستگی مشاهده شده است. بنابراین فرضیه فوق تأیید می‌شود.

فرضیه سوم: بین فعالیت اوقات فراغت و رفتارهای پرخاشگرانه و وندالیستی جوانان رابطه وجود دارد.

آزمون این رابطه از طریق آماره‌ی همبستگی پیرسون (۰/۰۲۱-) و سطح معنی‌داری (۰/۶۷۱) بر تأیید فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود رابطه و رد فرضیه محقق دلالت دارد. بر

این اساس می‌توان گفت در بین مقادیر این دو متغیر، رابطه معناداری وجود ندارد. بنابراین فرضیه بالا رد می‌شود.

فرضیه چهارم: بین مدیریت بدن و رفتارهای پرخاشگرانه و وندالیستی جوانان رابطه وجود دارد.

آزمون این رابطه از طریق آماره‌ی همبستگی پیرسون (۰/۱۹۳) و سطح معنی‌داری (۰/۰۰۰) بر رد فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود رابطه و تایید فرضیه محقق دلالت دارد. براساس نتایج می‌توان گفت در سطح اطمینان ۹۹٪ بین مقادیر این دو متغیر، رابطه معناداری وجود دارد. رابطه همبستگی بین این دو متغیر، از طریق آزمون همبستگی (۰/۱۹۳) محاسبه شده که بیانگر همبستگی مثبت و معنی دار بین مصرف فرهنگی و رفتارهای پرخاشگرانه و وندالیستی است. بنابراین می‌توان گفت با افزایش میزان توجه به مدیریت بدن در بین جوانان و نوجوانان، گرایش آن‌ها به رفتارهای پرخاشگرانه و وندالیستی نیز افزایش می‌یابد. مقدار ضریب پیرسون بیانگر شدت همبستگی نسبتاً ضعیف این رابطه است. لذا فرضیه موردنظر تأیید می‌شود.

فرضیه پنجم: بین الگوی تغذیه و رفتارهای پرخاشگرانه و وندالیستی جوانان رابطه وجود دارد.

آزمون این رابطه از طریق آماره‌ی همبستگی پیرسون (۰/۰۱۱) و سطح معنی‌داری (۰/۶۱۰) بر تایید فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود رابطه و رد فرضیه محقق دلالت دارد. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت در بین مقادیر این دو متغیر، رابطه معناداری وجود ندارد. بنابراین فرضیه مذکور رد می‌شود.

فرضیه ششم: بین پراکندگی فعالیت‌ها و رفتارهای پرخاشگرانه و وندالیستی جوانان رابطه وجود دارد.

آزمون این رابطه از طریق آماره‌ی همبستگی پیرسون (۰/۰۹۲) و سطح معنی‌داری (۰/۰۰۰) بر رد فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود رابطه دلالت دارد. براساس نتایج می‌توان گفت در سطح اطمینان ۹۹٪ بین مقادیر این دو متغیر، رابطه معناداری وجود دارد. رابطه همبستگی بین این دو متغیر، از طریق آزمون همبستگی (۰/۰۹۲) محاسبه شده که بیانگر همبستگی مثبت و معنی دار بین پراکندگی فعالیت‌ها و رفتارهای پرخاشگرانه و وندالیستی است. اما از آنجا که شدت این رابطه بسیار ضعیف است، بنابراین می‌توان این رابطه را نادیده گرفت. بنابراین فرضیه فوق رد می‌شود.

فرضیه هفتم: بین قرارگرفتن در موقعیت‌های نابهنجار و رفتارهای پرخاشگرانه و وندالیستی جوانان رابطه وجود دارد.

آزمون این رابطه از طریق آماره‌ی همبستگی پیرسون (۰/۲۸۳) و سطح معنی‌داری (۰/۰۰۰) بر رد فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود رابطه و تایید فرضیه محقق دلالت دارد. براساس نتایج می‌توان گفت در سطح اطمینان ۹۹٪ بین مقادیر این دو متغیر، رابطه معناداری وجود دارد. رابطه همبستگی بین این دو متغیر، از طریق آزمون همبستگی (۰/۲۸۳) محاسبه شده که بیانگر همبستگی مثبت و معنی‌دار بین متغیرهای قرارگرفتن در موقعیت‌های نابهنجار و رفتارهای پرخاشگرانه و وندالیستی است. بنابراین می‌توان گفت هر چقدر میزان قرارگرفتن در موقعیت‌های نابهنجار افزایش یابد، میزان رفتارهای پرخاشگرانه و وندالیستی افزایش می‌یابد. مقدار ضریب پیرسون بیانگر شدت همبستگی نسبتاً متوسط این رابطه است. لذا فرضیه موردنظر تأیید می‌شود.

۷. آمار استنباطی

در جدول شماره ۸ ارتباط بین متغیرهای جمعیتی با متغیر وابسته تحقیق یعنی پرخاشگری و وندالیسم در میان پاسخگویان با استفاده از آزمون‌های ناپارامتریک مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که بین سن و وقوع رفتارهای بزهکارانه پرخاشگری و وندالیسم ضریب همبستگی ۰/۱۶ در سطح اطمینان ۹۹٪ بوده که حاکی از وجود رابطه مثبت و معنی‌داری است. نتایج آزمون F نشان می‌دهد میزان رفتارهای پرخاشگرانه و وندالیستی در میان افرادی که تحصیلات پایین و متوسطی دارند نسبت به افراد با تحصیلات بالا از تفاوت معنی‌داری در سطح اطمینان ۹۹٪ برخوردار است. یافته‌های آزمون T اختلاف معنی‌داری را بین افراد مجرد و متأهل از حیث ارتکاب رفتارهای پرخاشگرانه و وندالیستی نشان نمی‌دهد هر چند که میانگین نمرات این متغیر ملاک در بین افراد مجرد بیشتر از افراد متأهل است. مقایسه میانگین رفتارهای پرخاشگرانه و وندالیستی بین شهرهای مورد مطالعه نشان می‌دهد که در خرم‌آباد این میزان ۲۲/۶۶، در ازنا ۱۸/۴۶ و در بروجرد ۲۰/۸۴ است و اختلاف اندکی بین این سه شهر از حیث این رفتارها وجود دارد اما به لحاظ آماری این اختلاف مشاهده‌شده از نظر آماری معنی‌دار نبود.

جدول ۸. بررسی روابط متغیرهای جمعیتی با پرخاشگری و وندالیسم

متغیرها	نوع آزمون	مقدار آزمون	سطح معنی داری
سن	پیرسون	-۰/۱۶	۰/۰۰۰
جنس	T مستقل	-۴/۵۶	۰/۰۰۰
تحصیلات	تحلیل واریانس F	۶/۰۶	۰/۰۰۲
وضعیت تأهل	T مستقل	۱/۶۷	۰/۰۰۹
شهر محل سکونت	تحلیل واریانس F	۲/۲۳	۰/۰۱۱

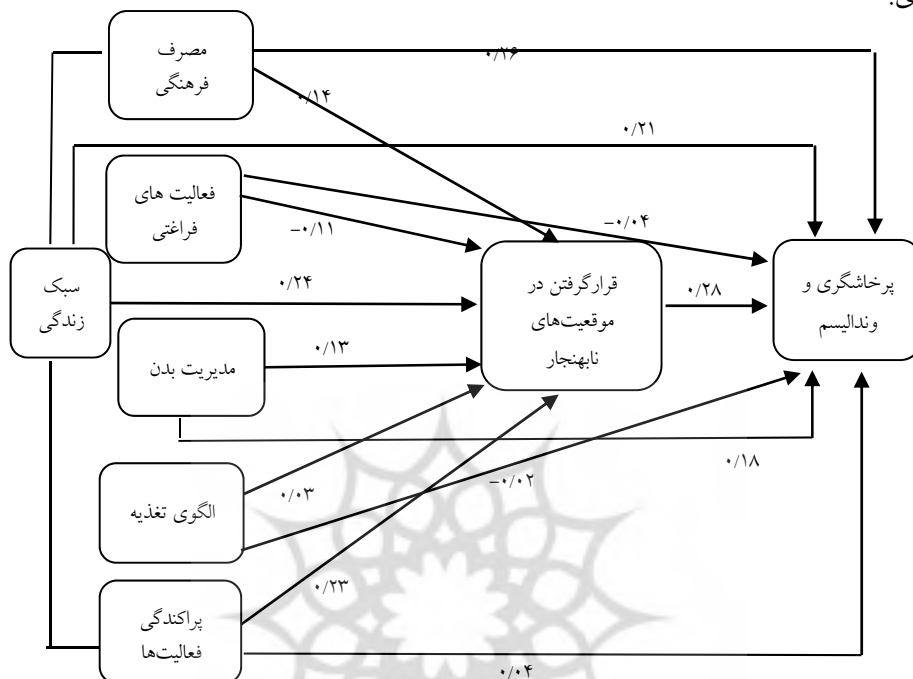
در ادامه به منظور بررسی تأثیر کلیه متغیرهای پیش‌بین بر متغیر ملاک از تحلیل رگرسیون چندمتغیره به روش همزمان استفاده شده است. با توجه به نتایج به دست آمده، میزان ضریب تعیین تعدیل شده (R^2) برای مدل برابر با ۰/۲۲ می‌باشد، بدین معنی که ۲۲٪ از کل میزان وقوع رفتارهای پرخاشگری و وندالیستی در بین نوجوانان و جوانان سه شهر خرم‌آباد، ازنا و بروجرد می‌تواند توسط این متغیرهای پیش‌بین تبیین شود. همچنین با توجه به معنی داری مقدار آزمون $F(۱۹/۰۴) = ۱۹/۰۴$ ($Sig=۰/۰۰۱$) این چهار متغیر در مجموع قادرند ۲۲٪ تغییرات رفتارهای تخریب‌گرانه و پرخاشگری را تبیین کنند. براساس نتایج مدل برازش داده شده رگرسیون، که نتایج آن در جدول شماره ۹ ارائه شده است، از بین متغیرهای پیش‌بین وارد شده در تحلیل رگرسیون، متغیرهای سبک زندگی (کل)، مصرف فرهنگی، مدیریت بدن، پراکندگی فعالیت‌ها و قرار گرفتن در موقعیت‌های نابهنجار تأثیر معناداری بر رفتارهای پرخاشگری و وندالیسم داشتند. براساس ضرایب تأثیر رگرسیونی، متغیر قرارگرفتن در موقعیت‌های نابهنجار با ضریب بتای ۰/۲۸۲، مصرف فرهنگی با ضریب بتای ۰/۲۶۶، سبک زندگی کل با ضریب بتای ۰/۲۱۶، مدیریت بدن با ضریب بتای ۰/۱۸۴ و پراکندگی فعالیت‌ها با ضریب بتای ۰/۰۴۵ به ترتیب بالاترین تأثیر را بر ابراز پرخاشگری و وندالیسم داشته‌اند. بدین معنی که به ازای هر واحد افزایش در نمره متغیرهای قرارگرفتن در موقعیت‌های نابهنجار، مصرف فرهنگی، سبک زندگی، مدیریت بدن و پراکندگی فعالیت‌ها واریانس متغیر رفتارهای پرخاشگری و وندالیسم نیز با ضرایب مذکور تغییر پیدا می‌کند.

جدول ۹. جدول ضرایب رگرسیون تأثیر متغیرهای پیش‌بین بر متغیر ملاک

سطح معنی داری	t	ضرایب استاندارد شده		B	
		Beta (بتا)	خطای معیار		
۰/۰۰۰	۹/۶۲۰	-	۰/۱۱۵	۸/۳۲۱	مقدار ثابت
۰/۰۰۱	۱۰/۹۸۷	۰/۲۱۶	۰/۰۰۱	۰/۱۲۲	سبک زندگی
۰/۰۰۰	۱۸/۲۳۵	۰/۲۶۶	۰/۰۳۲	۰/۴۲۵	مصرف فرهنگی
۰/۶۱۰	۱۳/۸۶۴	-۰/۰۴۱	۰/۰۲۰	۰/۶۲۵	فعالیت فراغتی
۰/۰۰۰	۸/۹۸۳	۰/۱۸۴	۰/۰۳۷	۰/۰۲۳	مدیریت بدن
۰/۳۳۱	۶/۶۳۴	-۰/۰۲۳	۰/۰۲۱	۰/۳۰۲	الگوی تغذیه
۰/۰۰۲	۱۱/۲۳۰	۰/۰۴۵	۰/۰۳۲	۰/۲۵۰	پراکندگی فعالیت‌ها
۰/۰۰۰	۱۵/۵۶۷	۰/۲۸۲	۰/۰۰۳	۰/۱۲۲	قرار گرفتن در موقعیت‌های نابهنجار
Sig=۰/۰۰۱		F= ۱۹/۰۴	R ² Adj=۰/۲۲	R ² ۰/۲۲	R=۰/۴۷

برای نشان دادن تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای پیش‌بین بر متغیر ملاک از نمودار تحلیل مسیر استفاده شده که در نمودار شماره ۲ ارائه شده است. همان‌طور که در نمودار قابل مشاهده است متغیر سبک زندگی به صورت مستقیم بر متغیر پرخاشگری و وندالیسم تأثیرگذار بوده است. میزان تأثیر مستقیم سبک زندگی برابر با ۰/۲۱ بوده است. متغیر سبک زندگی به واسطه تأثیرگذاری بر متغیر قرارگرفتن در موقعیت‌های نابهنجار به میزان ۰/۲۴ بر پرخاشگری و وندالیسم تأثیرگذار است. همچنین میزان تأثیر مستقیم متغیر قرارگرفتن در موقعیت‌های نابهنجار بر پرخاشگری و وندالیسم برابر با ۰/۲۸ بوده است که نشان می‌دهد به ازای یک واحد تغییر در متغیر قرارگرفتن در موقعیت‌های نابهنجار، میزان پرخاشگری و وندالیسم به میزان ۰/۲۸ واحد تغییر خواهد یافت. در بین ابعاد سبک زندگی مصرف فرهنگی به میزان ۰/۲۶ بر متغیر پرخاشگری و وندالیسم تأثیر مستقیم داشته است و همچنین از طریق متغیر واسطه‌ای قرارگرفتن در موقعیت‌های نابهنجار نیز به میزان ۰/۰۷ بر متغیر ملاک تأثیر غیرمستقیم دارد. تأثیر مستقیم مدیریت بدن بر پرخاشگری و وندالیسم ۰/۱۸ می‌باشد و همچنین به واسطه متغیر قرارگرفتن در موقعیت‌های نابهنجار ۰/۱۳ بر متغیر ملاک تأثیر غیرمستقیم دارد. متغیر پراکندگی فعالیت‌ها نیز به میزان ۰/۰۴ تأثیر مستقیم و ۰/۲۳ تأثیر غیر مستقیم بر متغیر پرخاشگری و وندالیسم داشته است. متغیرهای فعالیت اوقات فراغت و الگوی تغذیه نیز به علت تأثیر کم و غیرمعنی دار از مدل خارج شده‌اند.

همچنین میزان تأثیر کل سبک زندگی بر متغیر پرخاشگری و وندالیسم برابر با ۰/۲۶ می‌باشد.



شکل ۲. نمودار تعیین مسیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته (تحلیل مسیر)

۸. بحث و نتیجه گیری

فرآیند صنعتی شدن و گسترش شهرنشینی جوامع موجب رشد فردگرایی (Individualis) و ناشناختگی (Disidentification) شده است و این مسأله باعث شده که تمایل افراد به دیده شدن و مورد توجه قرار گرفتن در زندگی خود، مورد توجه قرار گیرد. از سوی دیگر، تمدن ماشینی امروزه با توجه به توسعه شهری نامنظم در کشورهای جهان سوم، باعث بروز پیامدهایی هم چون رشد بی رویه جمعیت شهری، تغییر سبک زندگی، درآمیختگی سنت‌های کهنه و نو، تضعیف انسجام و همبستگی اجتماعی، شکست‌ها، عقده‌های روانی و امیال سرکوب شده را به ارمغان آورده است. از دیگر سو عصیان روزافزون انسان‌ها، بالاخص نسل جوان در برابر واقعیات اجتماعی را متأثر ساخته است. این معضلات و مشکلات در

جامعه شهری، سرپیچی از قواعد حاکم بر روابط اجتماعی و طغیان علیه نظم دستوری جامعه را به صورت عکس‌العمل‌های منفی در افراد ایجاد کرده است و وندالیسم به عنوان رفتار تخریب‌گرانه نمونه‌ای از این واکنش‌های ضداجتماعی در جوامع شهری است (خدایار، ۱۳۶۷: ۵۳۲).

پژوهش حاضر با هدف بررسی جامعه‌شناختی تأثیر سبک زندگی بر رفتارهای پرخاشگری و وندالیسم در بین نوجوانان و جوانان صورت گرفت.

براساس یافته‌ها، فرضیه اول تحقیق مبنی بر وجود رابطه بین سبک زندگی و رفتارهای پرخاشگرانه و وندالیستی مورد تأیید قرار گرفت. به این معنی که با تغییر در سبک زندگی افراد رفتارهای بزهکارانه آنان نیز دچار تغییر می‌گردد. نزد گیدنز، تحول سبک‌های زندگی و دگرگونی ساختاری مدرنیته به واسطه بازتابندگی نهادی به یکدیگر گره می‌خورند. او معتقد است که ویژگی خاص مدرنیته، پویایی تأثیر جهان‌گستر و فرایند تغییر رسوم سنتی می‌باشد. مدرنیته سبب می‌گردد که افراد هر چه بیشتر از قید انتخاب‌هایی که سنت بطور معمول در اختیار آنها قرار می‌داد رها شوند. بنابراین، هر چه نفوذ و کشش سنت کمتر می‌شود، و هر چه زندگی روزمره بیشتر بر حسب تأثیرات متقابل و عوامل محلی و جهانی بازسازی می‌شود، افراد بیشتر ناچار می‌شوند که سبک زندگی خود را از میان گزینه‌های مختلف انتخاب کنند. با این وصف، به دلیل باز بودن زندگی اجتماعی امروزی، و همچنین به علت تکثریابی زمینه‌های عمل و مراجع، انتخاب سبک زندگی بیش از پیش در ساخت اعمال و فعالیت‌های روزمره اهمیت می‌یابد. برنامه‌ریزی و انتخاب برای زندگی بر اساس بازتاب‌های بیرونی رفته رفته به صورت طرح مرکزی ساختار هویت شخصی در می‌آید (گیدنز، ۱۳۸۲).

فرضیه دوم که وجود معناداری رابطه بین مصرف فرهنگی و رفتارهای پرخاشگرانه و وندالیستی را مطرح کرده، براساس نتایج به دست آمده تأیید شد؛ به این معنا که به نسبت افزایش میزان مصرف کالاهای فرهنگی توسط جوانان، میزان گرایش آنان به ارتکاب رفتارهای تخریب‌گرانه و وندالیستی آنها کاهش می‌یابد و بالعکس. مصرف فرهنگی غالباً کمتر از بقیه انواع فعالیت‌ها مستلزم هزینه کردن است و قدرت انتخاب افراد در این زمینه زیاد است. به علاوه قریحه که از عناصر سازنده سبک زندگی است بیش از هر چیز دیگر در الگوی انجام دادن فعالیت و مصرف فرهنگی بروز می‌کند. دیدگاه بوردیو درباره اینکه طبقات بالا خود را با استفاده از فرهنگ متعالی از بقیه طبقات متمایز می‌کنند، سبب شده است تا بسیاری از پژوهشگران نظریه وی را دوباره بیامیند (فاضلی، ۱۳۸۲: ۱۲۷). لذا نظر

به اینکه افراد به چه میزان محصولات فرهنگی مصرف می‌کنند که در نتیجه‌ی آن، در ارتباط با افراد هم‌سبک خود قرار خواهند گرفت و این امر بر احتمال انجام رفتارهای تخریب‌گرانه و وندالیستی اثرگذار است. پژوهش صورت‌گرفته توسط مقصودی و بنی فاطمه (۱۳۸۵) با یافته‌های این تحقیق هم‌سو است.

فرضیه سوم که مورد تأیید قرار گرفت وجود رابطه معنی‌دار میان مدیریت بدن و رفتارهای پرخاشگرانه و وندالیستی است. به عقیده گیدنز، کنترل منظم بدن یکی از ابزارهای اساسی است که شخص به وسیله‌ی آن روایت معینی از هویت شخصی را محفوظ می‌دارد و در عین حال «خود» نیز به طرز کمی و بیش ثابت از ورای همین روایت «در معرض تماشای دیگران قرار می‌گیرد». بنابراین ویژگی‌ها و خصوصیات ظاهری، علاوه بر آنکه به محملی برای کسب هویت تبدیل شده به وسیله‌ای برای کسب منزلت و پرستیژ نیز مبدل گشته و در نتیجه «نمایش خود» به جلوه‌ای عادی از زندگی روزمره تبدیل می‌شود. کسب هویت و منزلت از طریق راه‌های متداول و پذیرفته شده از جانب ارزش‌ها و هنجارهای جامعه منجر به پدید آمدن افرادی همچون با هنجارهای اجتماعی می‌گردد اما زمانی که افراد راه‌های غیر معمول و غیرمتعارف را برای کسب هویت و منزلت انتخاب می‌نمایند یا به عبارت دیگر از حوزه فعالیت‌های نابهنجار برای کسب هویت و منزلت استفاده می‌کنند، پرداختن به بدن در راستای فعالیت‌های بزهکارانه قرار می‌گیرد.

بر اساس یافته‌ها، فرضیه بعدی تحقیق مبنی بر وجود رابطه مستقیم و معنی‌دار بین پراکندگی فعالیت‌ها و رفتارهای پرخاشگرانه و وندالیستی مورد تأیید قرار گرفت. کوهن و فلسون، معتقد هستند که پراکندگی فعالیت‌ها برخلاف فعالیت‌های عادی و متمرکز منجر به درگیر شدن افراد در فعالیت‌های بزهکارانه می‌گردد. در نظریه فعالیت‌های عادی فرض بر آن است که زمان کار، مدرسه و سبک زندگی در مرکز تعیین‌کننده‌های اصلی نرخ جرم قرار دارند. بعلاوه، پراکندگی فعالیت‌هایی که به دور از خانه و خانواده انجام می‌شوند امکان جرم و درگیر شدن در فعالیت‌های پرخاشگرانه و وندالیستی را افزایش می‌دهد و در نتیجه نرخ جرم افزایش می‌یابد. فعالیت‌های عادی در اطراف خانه، درون خانه و در بین اعضای خانواده یا گروه‌های نخستین شکل می‌گیرد و خطر قربانی شدن در آن‌ها کمتر است؛ زیرا آن‌ها قابلیت محافظت را تقویت می‌کنند. یعنی هرچه سطح محافظت افزایش پیدا کند احتمال درگیر شدن در فعالیت‌های بزهکارانه و خطر قربانی شدن کاهش می‌یابد. فلسون نشان داده است که چگونه با درگیر شدن در فعالیت‌های دور از خانه و خانواده خطر

قربانی شدن و در نهایت درگیر شدن در فعالیت‌های بزهکارانه افزایش می‌یابد. در واقع، «هر روند اجتماعی که افراد را از خانه دور کند برای تحلیل نرخ جرم مهم است».

فرضیه نهایی که مورد تایید قرار گرفت وجود رابطه معنی دار بین قرارگرفتن در موقعیت‌های نابهنجار و رفتارهای پرخاشگرانه و وندالیستی است. بنابر نظر گاتفردسن، فلسون و همکارانش که در «نظریه نمایشی سبک زندگی» و «نظریه فعالیت‌های عادی» اشاره کرده‌اند، کنشگران از میان شبکه‌های اجتماعی، آن‌هایی را برای برقراری ارتباط انتخاب می‌کنند که بیش از سایرین به خودشان شبیه باشند. بنابراین، جوانان با قرارگرفتن در این موقعیت‌های نابهنجار راحت‌تر قربانی می‌شوند و قربانی‌ها بیشتر احتمال ارتکاب رفتارهای پرخاشگرانه و وندالیستی را دارند، زیرا سبک زندگی شان در ارتباط با مجرمان است. این یافته‌ها با نتایج پژوهش کریمی و فرهمند (۱۳۹۵) و نیک‌اختر (۱۳۷۸) هم‌سو است.

آنچه در مقاله حاضر، در خصوص سبک زندگی و مؤلفه‌های آن بحث شد موضوعاتی هستند که هر روز در کشاکش سنت و مدرنیته به طور دائم و نامتعیین در حال تغییر و تحول هستند. در این رابطه گیدنز معتقد است که ویژگی خاص مدرنیته، پویایی تأثیر جهان گستر و فرایند تغییر رسوم سنتی می‌باشد. در بین کنشگران انسانی، جوانان از جمله افرادی هستند که در سبک زندگی خود، بیشتر از سایر کنشگران در فعل و انفعالات هویتی خود، در معرض انتخاب‌های گوناگون قرار می‌گیرند. به زعم گیدنز، مدرنیته سبب می‌گردد که افراد هر چه بیشتر از قید انتخاب‌هایی که سنت به طور معمول در اختیار آنها قرار می‌داد رها شوند و بدین ترتیب فرد را «رودروی تنوع غامضی از انتخاب‌های ممکن قرار می‌دهد و به دلیل آنکه دارای کیفیتی غیر شالوده‌ای است، چندان کمکی به فرد ارائه نمی‌دهد تا وی را در گزینش‌هایی که باید به عمل آورد یاری دهد». در این میان امنیت هستی‌شناختی فرد آسیب می‌بیند و فرد برای دستیابی به افتخار در بین همسالان و کسب هویت مورد نظر خود از ارتکاب هیچ نوع رفتاری از جمله رفتارهای انحرافی، بزهکارانه و یا مجرمانه اجتناب نمی‌ورزد. یافته‌های پژوهش انجام شده نیز این فرضیه را مورد تأیید قرار داد. تأثیر کلی ۲۶ درصدی سبک زندگی بر وقوع رفتارهای پرخاشگرانه و وندالیستی وقتی که نسبت به کل کنشگران جوان در جامعه مورد مطالعه مقایسه می‌شود نسبتاً قابل اعتناست. این کنشگران در گذران امور زندگی خود ممکن است دست به انتخاب‌های زیادی بزنند که برخی از آنها ممکن است به باور گیدنز، تصادفی نبوده و الگویی را پدید می‌آورند که فقط

بخشی از آن مربوط به مصرف می‌باشد. این مجموعه‌ی ساختاریافته، راهنمایی برای کنش می‌شود و فرد را از این معضل که در هر لحظه مجبور به تصمیم‌گیری آگاهانه باشد می‌رهاند. از بین مؤلفه‌های سبک زندگی، مصرف محصولات فرهنگی، مدیریت بدن و پراکندگی فعالیت‌ها، ارتباط معنی‌داری با رفتارهای پرخاشگرانه و وندالیستی جوانان نشان دادند. این مؤلفه‌ها در دستگاه نظری‌گیدنز رفتارها و کردارهایی هستند که به جریان عادی زندگی روزمره تبدیل شده‌اند، جریان‌هایی که در لباس پوشیدن، مکان‌های مختلف، مصرف محصولات فرهنگی، شیوه‌های کنش در محیط دلخواه برای ملاقات کردن با دیگران جلوه می‌کنند. چنین رفتارهایی بازتاب‌کننده خود مورد نظر کنشگران است؛ رفتارهایی که به واسطه آن‌ها کنشگر خودش را به دیگران معرفی می‌کند و از خلال آن‌ها هویت می‌یابد. مطابق با نظریه سبک زندگی نمایشی گاتفردسون و همکاران و نظریه فعالیت‌های عادی کوهن و فلسون نیز علت این که افراد از میان شبکه‌های اجتماعی، کسانی را برای برقراری ارتباط انتخاب می‌کنند که بیش از سایرین به خودشان شبیه باشند و در نهایت شبکه‌های ارتباطی مورد علاقه خود را تشکیل می‌دهند، برای این است که سبک زندگی‌شان را به دیگران معرفی کنند. این سبک زندگی به واسطه حلقه‌ها یا شبکه‌های ارتباطی که انتخاب می‌کنند می‌تواند منجر به یک زندگی سالم گردد و یا درگیر تولید و بازتولید آسیب‌های اجتماعی شود؛ چرا که انتخاب برخی فعالیت‌ها و بعضی شبکه‌ها می‌تواند در حوزه ارتکاب فعالیت‌های نابهنجار قرار گیرد.

کتاب‌نامه

- استونز، راب (۱۳۸۵)، متفکران بزرگ جامعه‌شناسی، ترجمه مهرداد میردامادی، تهران: نشر مرکز.
- جان حسنی، علی (۱۳۸۶). عوامل مؤثر بر گرایش به رفتارهای تخریب‌گرایانه در استان مازندران، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، دوره ۴، شماره ۱۶، صص ۴۶-۱۱.
- خدایار، امیرمسعود (۱۳۶۷). فرهنگ واژه‌های مکتب سیاسی، فلسفی، مذهبی، هنری و ادبی، تهران: انتشارات خورشید.
- دغافله، عقیل و کلهر، سمیرا (۱۳۸۹). آسیب‌های شهری در تهران: وندالیسم، دختران فراری، زنان سرپرست خانوار و تکدی‌گری، تهران: جامعه‌شناسان.
- ژانورن، پاتریس (۱۳۶۷). وندالیسم: بیماری جهانی خرابکاری، ترجمه فرخ ماهان، مجله دانشمند، شماره ۵۶.

- صمیمی، رقیه و دیگران (۱۳۸۵). ارتباط سبک زندگی با سلامت عمومی دانشجویان، *فصلنامه پرستاری ایران*، دوره نوزدهم، شماره ۴۸.
- فاضلی، محمد (۱۳۸۲). مصرف و سبک زندگی، قم: انتشارات صبح صادق.
- کریمی. منجرموتی، یزدان و فرهنگ، مهناز (۱۳۹۵). وندالیسم و جوانان، *فصلنامه‌ی مطالعات توسعه اجتماعی- فرهنگی*، دوره پنجم، شماره ۲.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷). *پی‌آمدهای مانیت*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۲). *تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی، چاپ دوم.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۳). *وندالیسم*، تهران: انتشارات آن.
- محمدی بلبان آباد، اسعد (۱۳۸۴). *سنجش میزان وندالیسم و عوامل فردی و اجتماعی مرتبط با آن در میان دانش‌آموزان ناحیه یک مقطع متوسطه شهر سنندج*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز.
- مقصودی، سوده و بنی فاطمه، زهرا (۱۳۸۳). تحلیل محتوای دیوان‌نویسی‌های کلاس‌های درس دانشگاه شهید باهنر کرمان، *نشریه رفاه اجتماعی*، دوره ۳، شماره ۱۳، صص ۲۹۰-۲۶۷.
- نبوی، سید عبدالحسین، سالمیان، سهام و حبیبیان، بهار (۱۳۹۰). عوامل مؤثر بر رفتار وندالیستی در میان دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهرستان اهواز (مطالعه موردی: منطقه کورت عبدالله)، *فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی- فرهنگی*، سال اول، شماره سوم.
- نیک اختر، علی (۱۳۷۸). *بررسی عوامل اقتصادی اجتماعی مؤثر بر خرابکاری به عنوان نوعی رفتار بزهکارانه در بین دانش‌آموزان دبیرستان‌های شیراز*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.

- Chapin, F. Stuart, Jr. (1974). *Human activity patterns in the city: Things people do in time and space*. New York: John Wiley & Sons.
- Felson, Marcus. (1983). *Ecology of crime*. In S. Kadish (Ed.), *Encyclopedia of crime and justice*.
- Felson, Marcus. (1987). *Routine activities and crime prevention in the developing metropolis*. *Criminology*, 25(4), 911-931.
- Finkelhor, David and Nancy L. Asdigian (1996). *Risk Factors for Youth Victimization: Beyond a Lifestyles/Routine Activities Theory Approach, Violence and Victims*, Vol. 11, No. 1, Pp 1-19.
- Kennedy, Leslie & Forde, David. (1990). *Risky lifestyles and dangerous results: Routine activities and exposure to crime*. *Sociology and Social Research: An International Journal*, 74(4), 208-211.
- Svensson, R & Pauwels, L. (2008). *Is a risky lifestyle always risky? The interaction between individual propensity and lifestyle risk in adolescent offending: A test in two urban samples*, *Crime & Delinquency*, Vol 56, Pp 608-626.
- Wright, Richard & Decker, Scott. (1994). *Burglars on the job: Streetlife and residential break-ins*. Boston, Mass.: Northeastern University Press.